

علم اصول الفقه

١٧-١٢-١٩ تعريف علم اصول فقه ٦٣

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مبادی تصویری

فصل اول: تعریف علم اصول

فصل دوم: موضوع علم اصول

فصل سوم: نسبت بین علم اصول و سایر علوم

فصل چهارم: اعتباریات

فصل پنجم: حکم

فصل ششم: امثال

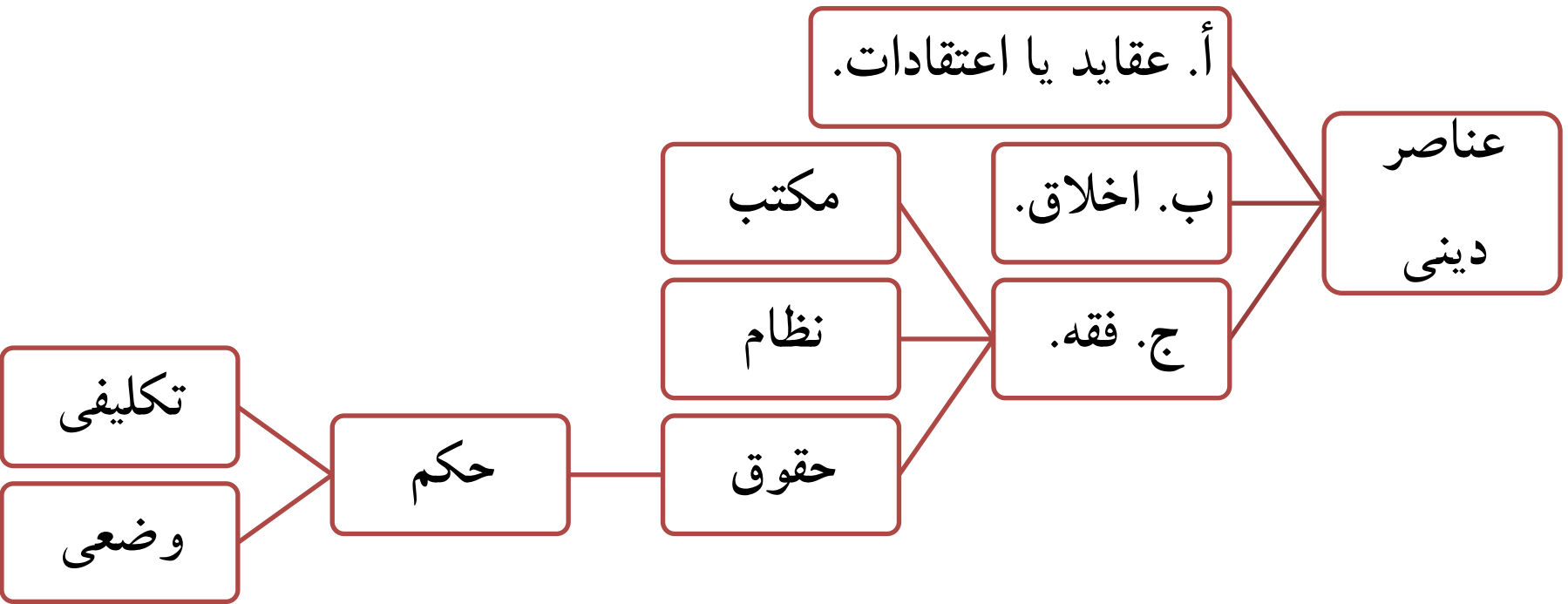
فصل هفتم: موضوع و متعلق حکم

فصل هشتم: نسخ

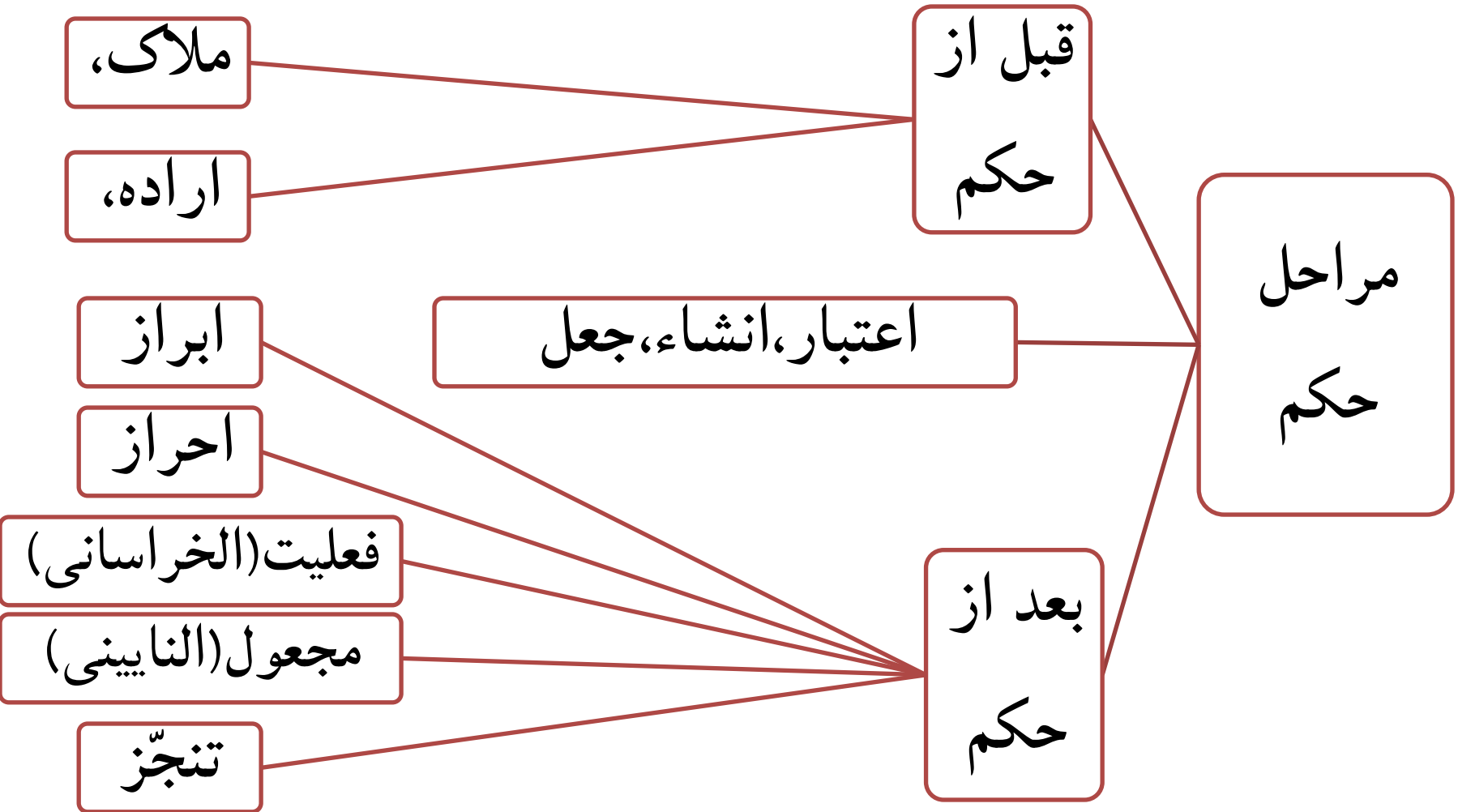
فصل نهم: حجت

فصل دهم: استنباط

عناصر دين



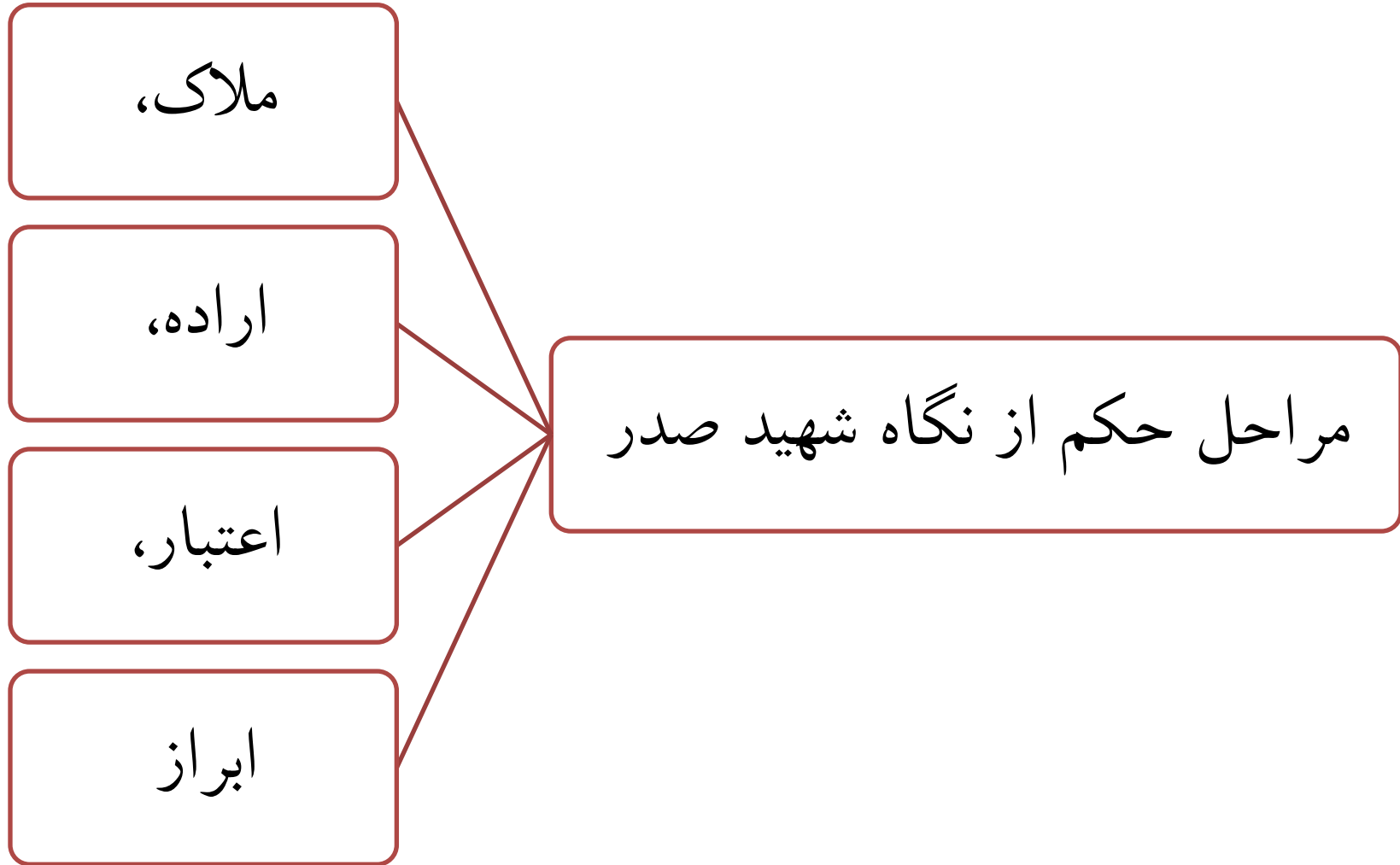
مراحل حکم



مراحل حکم

- حکم شرعی چگونه پیدا می شود؟ چه مراحل را طی می کند؟
- هر حکمی در طی مراحل، اعتبار می شود.

مراحل حکم



مراحل حکم

- اولین مرحله، ملاک حکم است.
- ملاک حکم از سنخ حکم نیست؛ بلکه یک امر تکوینی مستقل از اعتبارات شرعی است.
- ملاک، ریشه و مبداء حکم می‌باشد و به تعبیر شهید صدر، چیزی در واقع وجود دارد که برای تأمین آن امر واقعی، یک اعتباری صورت می‌گیرد.
- در بیان دیگر می‌توان گفت: چیزی در واقع هست که اثر آن، مطلوبیت و مبعوضیت در شارع است.

مراحل حکم

- دومین مرحله اراده شارع است.
- در پی وجود ملاک، اراده‌ای به تناسب آن در شارع شکل می‌گیرد. اگر محبوبیت و مصلحتی دارد، شوق شارع به تحقق آن و اگر مبعوضیت و مفسده‌ای دارد، اراده‌ی شارع به ترک و اجتناب از آن تعلق می‌گیرد.

مراحل حکم

- مرحله سوم اعتبار و جعل حکم است.
- وقتی اراده‌ای به تناسب ملاکی که در آن امر واقعی وجود دارد، ایجاد شود، یک اعتبار شرعی شکل می‌گیرد.
- یعنی وقتی اراده‌ی تحصیل مصلحت یا اجتناب از مفسده در نفس شارع پیدا شود، به تناسب آن یک اعتبار حاصل می‌شود. این اعتبار خود حکم است.

مراحل حکم

- مراحل قبل از اعتبار، یعنی ملاک و اراده، خود حکم نیستند؛ بلکه مبدء حکم به حساب می آیند.
- حکم آنجا است که اعتباری متناسب با اراده (اراده‌ای که خود متناسب با ملاک بود) شکل گیرد.

مراحل حکم

- مرحله چهارم ابراز است.
- این اعتبار باید برای مکلفان بیان شود تا اثر مورد نظر شارع، یعنی جهت دادن به رفتارهای مکلفان، حاصل گردد. این مرحله را ابراز حکم می‌نامیم.

مراحل حکم

- مرحله پنجم احراز حکم است.
- وقتی ابراز به گونه‌ای تحقق بیابد که حکم شارع و اعتبار او برای مکلف احراز شود، این مرحله تحقق می‌یابد.
- احراز ممکن است وجدانی باشد، مثل مواردی که بیان شارع را به گوش خود می‌شنویم و ممکن است تشریحی و تعبدی باشد، مثل خبر واحد که شارع آن را برای احراز بیان خود به عنوان حجت اعتبار کرده است.

مراحل حکم

- مرحله ششم تنجز حکم است.
- وقتی ابراز برای مکلف احراز شود، عقل حکم می‌کند که این حکم برای مکلف منجز است.

مراحل حکم

- در نتیجه در هر حکمی با این مفاهیم مواجهیم: ملاک، اراده، اعتبار، ابراز، احراز و تنجّز یا تنجیز.
- از این مفاهیم که مراحل حکم هستند، برخی قبل از اعتبار و برخی بعد از اعتبار قرار دارند.

مراحل حکم

- ملاک و اراده که قبل از حکمند، از امور تکوینی به حساب می آیند. واقعی بودن آنها را می توان در مثال زیر این گونه شرح داد:

مراحل حکم

- شرب خمر، زیان بدنی دارد، باعث از دست رفتن عقل می شود. هر کس شراب بخورد، چه بداند شرب خمر قانوناً حرام است و چه نداند، شراب در بدن او تأثیر می گذارد. اعتبار یا عدم اعتبار تأثیری در اثر خمر ندارد.

- مفسده‌ی موجود در شرب خمر موجب می‌گردد اراده‌ای در نفس شارع تحقق یابد. اراده‌ی شارع به اجتناب مکلفان از خمر تعلق می‌گیرد. خود اراده نیز یک امر واقعی است.

مراحل حکم

- اینجا است که شارع بر اساس اراده‌ای که بر طبق ملاک حاصل شده، حکمی را جعل می‌کند.
- اعتبار یا به تعبیری انشاء مثلاً از طریق وحی به پیامبر ابلاغ می‌شود و پیامبر مسئول رساندن این حکم یعنی حرمت شرب خمر است.

مراحل حکم

- وقتی بیان به مردم برسد و احراز شود، تنجز حاصل می‌شود. بیان محرز، موضوع تنجز است.
- اگر شارع بیان کند، اما به مکلفان نرسد، ابراز محقق شده؛ اما احراز و در نتیجه تنجز صورت نگرفته است.
- زیرا عقل با بیان محرز حکم می‌کند که مکلف در مقابل تکلیف مسئول است؛ اگر انجام دهد، ثواب می‌بیند و اگر انجام ندهد، مستحق عذاب می‌شود.
- تنجز یک داوری عقلی است. پس از خود حکم خارج است.

مراحل حکم

● ج. عدم ضرورت اعتبار در نزد شهید صدر:

● شهید صدر نکته‌ای را در مراحل حکم بیان می‌کند که جای بسی تأمل است. در نظر وی در مراحل حکم، اعتبار، یک امر ضروری نیست. حکم شرعی حتماً باید ملاکی داشته باشد، حکم بی-ملاک میسر نیست و حتماً باید مولی اراده‌ای نسبت به آن داشته باشد، مولی حکم بدون اراده صادر نمی‌کند؛ اما اعتبار عنصر ضروری نیست. شارع از آن روی اعتبار می‌کند که می‌بیند عقلاً در روش عادی و متعارف خود چنین می‌کنند. عقلاً عادت به اعتبار دارند. شارع نیز همان روش را پی می‌گیرد؛ بدون این که ضرورتی وجود داشته باشد.

مراحل حکم

- اما آیا حکم شرعی می تواند بدون اعتبار شارع تحقق یابد؟ به عبارت دیگر آیا شارع می تواند بدون اعتبار به مکلفان جهت دهد؟
- همان گونه که علامه در اعتباریات فرمودند: چنین چیزی ممکن نیست. اعتباریات، مفاهیمی ضروری هستند که ما ناچاریم برای دست یابی به کمالات ثانوی، آنها را جعل کنیم، بسازیم و اعتبار نماییم.

مراحل حکم

- بنابراین شارع برای جهت دان چاره‌ای جز این دو راه ندارد:
- ۱. شارع کاری کند که مکلفان خود به خود کاری را انجام دهند یا از چیزی اجتناب کنند، یعنی تکویناً آنها را جهت دهد. مثلاً دست آنها را بگیرد و به سمتی براند یا آنها را نگه دارد.

- مسلماً چنین چیزی از اراده‌ی مکلفان خارج است و منشأ کمال آنها نیست. اگر شارع از این راه بهره می‌جست، مکلفان مضطر به انجام یا ترک بودند و کار، قهری صورت می‌گرفت، در نتیجه موجب کمال هم نبود.

مراحل حکم

- همچنان که عمل تنفس یعنی جذب اکسیژن از طریق ریه و ورود آن به خون، یک عمل قهری است که انسان هیچ اراده‌ای نسبت به آن ندارد. او نمی‌تواند جلوی ورود اکسیژن به خون را بگیرد. قهراً این عمل هیچ اثری در کمال انسان ندارد.

- ۲. شارع با حفظ اراده به مکلف جهت دهد. در این صورت چاره‌ای جز اعتبار ندارد و نمی‌تواند از آن اجتناب کند. همان گونه که علامه فرمود، در حوزه‌ی اعتباریات است که اراده محفوظ می‌ماند.

مراحل حکم

- مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی
- . تعبیر به مراحل، تعبیری است که مرحوم آخوند به کار برده (ر.ک: آدرس.....)؛ ولی این تعبیر، تسامحی است. این تعبیر به خصوص در نزد اصولی‌های بعد از مرحوم آخوند مورد انکار قرار گرفت. زیرا بعضی از آن چیزهایی که به عنوان مراحل حکم شمرده می‌شوند، واقعاً مرحله‌ی حکم نیستند. مثلاً ملاک که به عنوان اولین مرحله مطرح است، از سنخ حکم نمی‌باشد. یک امر تکوینی مستقل از اعتبارات شرعی است.

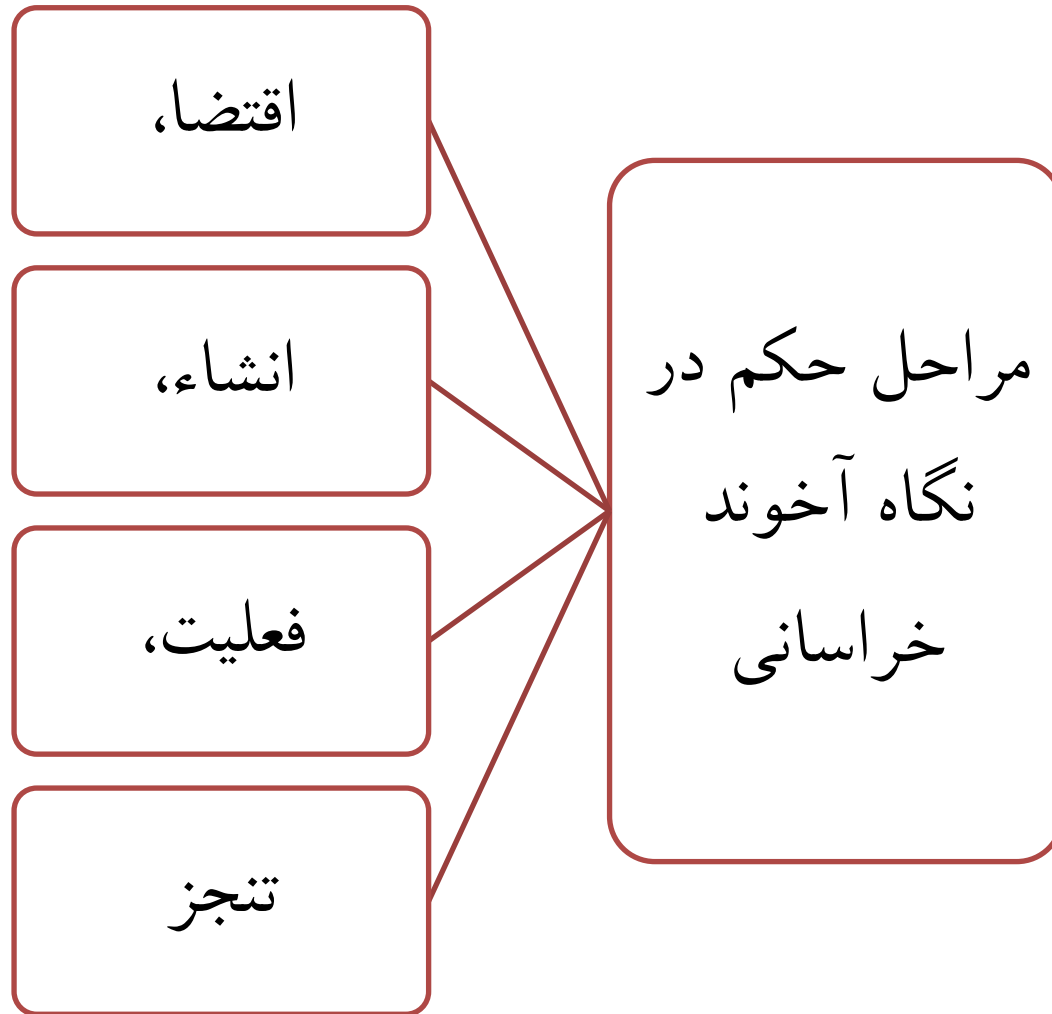
مراحل حکم

- . آدرس کلام شهید صدر
- . قاعده‌ی ید در فقه، بیانگر این است که ید اماره‌ی مالکیت است. یعنی سلطه‌ی تکوینی، اماره‌ی سلطه‌ی تشریحی است. البته این اماره ممکن است مطابق با واقع نباشد. قاعده‌ی ید تا زمانی جاری است که خلافش احراز نشده باشد.

مراحل حکم

- بر خلاف اسلام که پیکره‌ی آن بر قانون و قانون گذاری استوار است، مسیحیت (البته مسیحیتی که بر اساس تحریف پولس شکل گرفت) فاقد فقه و شریعت است. مسیحیت فقط دو بخش دارد: ا. بخش عقاید یا الهیات (تعبیر الهیات تعبیر خود مسیحیان است) ب. اخلاق. بسیاری از آنچه که ما در حوزه‌ی فقه بحث می‌کنیم، در مسیحیت تحت عنوان اخلاق مطرح می‌شود. یعنی در اصطلاح مسیحی، اخلاق، بسیاری از آنچه را که ما فقه می‌نامیم، در بر می‌گیرد؛ اما رویکرد آن یک رویکرد اخلاقی و الزامات، الزامات اخلاقی هستند. به همین دلیل قابل پیگرد حقوقی و قانونی نیستند. در حالی که در فقه اسلامی چون رویکرد، رویکرد حقوقی است، قابل پیگرد قانونی است. یعنی متخلف فقهی قانوناً تحت پیگرد قرار می‌گیرد و حاکم شرع می‌تواند هر کس را که به واجبات عمل نکند یا از محرّمات اجتناب ننماید، مجازات کند.
- علی‌رغم تفسیرهای متعددی که از جامعه‌ی مدنی به عمل آمده است، می‌توان چیزی را به عنوان تفسیر جامع در نظر گرفت و روح جامعه مدنی را در همان دانست. جامعه‌ی مدنی، جامعه‌ی مبتنی بر قانون است. در این نگاه جامعه‌ای که دین معرفی می‌کند، یک جامعه‌ی مدنی است که روابط انسان‌ها را دین تعیین می‌کند. قابل توجه است که در فلسفه‌ی سیاسی غرب، تفسیرهای متنوعی از جامعه‌ی مدنی صورت گرفته که با هم بسیار متفاوتند. تفسیر هابز، روسو و هگل را می‌توان از جمله این تفاسیر شمرد.
- . آدرس کلام علامه.....
- . آدرس کلام علامه.....

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی



مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- مقصود مرحوم آخوند از اقتضا، همان چیزی است که در قبل با عنوان ملاک یاد کردیم و فقط اگر به ظاهر تعبیر آخوند توجه کنیم، تفاوتی وجود دارد.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- قبلاً گفتیم: ملاک و اراده، جزو مراحل حکم نیستند، آنها مبادی و مناشی حکم به حساب می‌آید و حکم از ملاک سرچشمه می‌گیرد.
- اما گویا مرحوم آخوند با این بیان که حکم دارای مراحل است و یکی از آنها اقتضا است، قایل است که در ملاک هم نوعی حکم وجود دارد ولی حکم اقتضایی.
- یعنی به نظر می‌رسد که حکم در همان مرحله‌ی ملاک هم نوعی تقرر دارد.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- بر اساس این بیان، مثلاً شرب خمر که مزیل عقل است و این ازاله (که یک امر واقعی و حقیقی است) به واسطه‌ی آشامیدن شراب صورت می‌گیرد و اصلاً ربطی به اعتبار و انشاء ندارد، گویا در مرحله‌ی واقعیت و حقیقت خودش، نوعی حکم است.
- این حکم یک نوع تقرر حکم و یک حکم اقتضایی شمرده می‌شود.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- اگر به ظاهر فرمایش مرحوم آخوند توجه نکنیم، تعبیر مرحوم آخوند در اقتضا همان است که در قبل گفتیم و ملاک یا اقتضا در واقع اقتضای حکم را دارند، بدون این که حکمی در آنجا وجود داشته باشد.
- در آن مرحله هیچ حکمی وجود ندارد، صرفاً یک امر واقعی هست که اقتضای حکم را دارد.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- مرحله انشاء در تعبیر مرحوم آخوند، همان است که در قبل اعتبار نامیدیم.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- اما مقصود آخوند از فعلیت عبارت است از این که در نفس ولوی یا علوی، اراده‌ی عمل به حکم پیدا شود.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- برای توضیح فرمایش مرحوم آخوند آن را به مثال زیر تشبیه می‌کنند:
- فرض نمایید که یک مجمع قانون گذاری بشری مثل مجلس شورای اسلامی در صدد اعتبار حکمی است.
- ابتداءً مجلس ضرورت تحقق یا عدم تحقق چیزی را ادراک می‌کند، یعنی در می‌یابد که تحقق یا عدم آن، مصلحت یا مفسده‌ای دارد. مجلس در این مرحله، در مرحله‌ی اقتضا یا ملاک می‌باشد.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- مجلس بر اساس آن مفسده یا مصلحت حکمی را جعل می‌کند و بدین ترتیب به تعبیر مرحوم آخوند در مرحله‌ی انشاء قرار می‌گیرد.
- وقتی مجلس، قانون را ابلاغ می‌کند تا اجرا گردد، مجلس در مراحل قانون گذاری به مرحله‌ی فعلیت حکم رسیده است. در اعتبار شارع نیز فعلیت به همین معنا است. وقتی مولی می‌خواهد که حکم اعتبار شده‌اش، به اجرا در آید، می‌گوییم: حکم فعلیت یافته است.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- اگر این تشبیه و تمثیل را بپذیریم، مرحله‌ی فعلیت در اصطلاح آخوند همان مرحله‌ی ابراز حکم خواهد بود که در قبل از آن یاد کردیم
- و باید توجه داشت که وقتی آخوند می‌گوید: در نفس ولوی یا علوی اراده‌ای برای اجرای حکم پیدا می‌شود، اراده‌ی بعد از اعتبار مورد نظر است، نه اراده‌ی قبل از اعتبار که در مراحل حکم ذکر نمودیم.
- بعد از جعل حکم، شارع اراده می‌کند که آنچه جعل کرده، تحقق خارجی بیابد.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- اما در واقع مقصود آخوند از فعلیت، نه اعتبار (که از آن تعبیر به انشا کردند) است و نه حتی ابراز اعتبار.
- بلکه مقصود وی چیزی است که معمولاً ملازم ابراز است. وقتی مولی حکم را اعتبار کند و بعد آن را اعلام نماید، ظاهر این اعتبار و ابراز این است که واقعاً می خواهد حکم اجرا شود.
- اگر نمی خواست، اعلام نمی کرد. از این روی اگر مولی ابراز کند، ولی بعد صریحاً بگوید: خواهان اجرای حکم نیست، یا بدانیم که اگر چه مولی حکم را ابراز کرده، قصد اجرا و تحقق حکم را در خارج ندارد، این حکم به مرحله ی فعلیت نرسیده است.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- فعلیت مرحوم آخوند، نکته‌ای است که بر فرض تصور چنین مرحله‌ای، مقبول می‌باشد. یعنی اگر بعد از اعتبار و ابراز، باز برای مولی این مجال وجود داشته باشد که نخواهد حکم اعتبار شده و ابراز شده تحقق یابد (به عبارت دیگر خواستن و نخواستن مولی هم در اینجا مجال پیدا کند)، بدون شک این حکم بر مکلف منجز نخواهد شد.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- همانند رئیسی که حکمی اعتبار کرده و اعلام هم نموده؛ ولی به صراحت گفته یا کسانی که از حکم اطلاع دارند، می‌دانند که هنوز زمان اجرای حکم فرا نرسیده است و رئیس هنوز خواهان اجرای آن نیست. بدون شک مرئوسان در مقابل این حکم مسئولیتی ندارند و حکم بر آنها منجز نیست. بدین ترتیب فعلیت، مرحله‌ای بین ابراز و تنجز خواهد بود.

مراحل حکم در نگاه آخوند خراسانی

- . آدرس کلام آخوند.....
- . توجه کنید: بحثی در فقه مطرح است به این مضمون که آیا برای این که انشاء اثر حقوقی داشته باشد، ابراز لازم است یا خیر؟ انشاء در آنجا غیر انشاء در بحث ما است. آنجا انشاء در مقابل اخبار است. و آن بحث در مثل قراردادهای پیدا می شود که نوعی انشاء و اعتبار هستند. سخن این است که آیا لازم است انشاءات ابراز شوند تا اثر حقوقی داشته باشند، یا اعتبار قلبی بدون ابراز، برای آثار آنها کافی است؟ یا مثلاً آیا انشاء و حکم قاضی که یک نوع جعل است، نیاز به ابراز دارد یا اگر قاضی حکم را در دل داشته باشد، اثر حقوقی بر آن مترتب است؟ در آنجا بیان می شود که انشاء باید ابراز گردد تا آثار حقوقی داشته باشد. به هر حال این بحث ربطی به آنچه ما در اینجا مطرح می کنیم، ندارد. بلکه انشاء در آنجا با انشاء در اینجا در اعتبار بودن با هم مشترکند.

جعل و مجعول

- اصطلاح دیگری هم در بحث مراحل حکم مطرح شده است که موروث مرحوم نائینی می باشد.
- در نظر وی حکم دو مرحله دارد:
- أ. مرحله‌ی جعل
- ب. مرحله‌ی مجعول.

جعل و مجعول

- مقصود از مرحله‌ی جعل، مرحله‌ای است که مولی حکمی را اعتبار می‌کند؛ ولی حکم او اختصاص به موضوع موجود در خارج ندارد.
- و مقصود از مرحله‌ی مجعول، مرحله‌ای است که موضوع در خارج تحقق پیدا می‌کند.

جعل و مجعول

- توضیح این دو تعریف به شرح زیر است:
- می‌دانیم اعتبارات شرعی از قبیل قضایای حقیقی است. یعنی برای موضوع مفروض الوجود اعتبار می‌شود؛ نه برای موضوعات خارجی.
- مثلاً اگر شارع می‌گوید: لا تشرب الخمر، حکم او اختصاص به شراب‌های موجود در ظرف جعل وی ندارد. خمرهایی که در آینده تحقق می‌یابند و در ظرف حکم وجود ندارد، نیز مشمول حکم هستند.

جعل و مجعول

- البته توجه داریم که حتی احکام بشری نیز از قبیل قضایای حقیقی است.
- اختصاص قانون به موضوعات خارجی و جعل آن به شکل یک قضیه‌ی خارجی، اگر چه هیچ استحاله‌ی عقلی ندارد، ولی خلاف مشی متعارف قانون گذاری است.

جعل و مجعول

- مرحله‌ی جعل در این اصطلاح، مرحله‌ای است که حکم به شکل قضیه‌ی حقیقی اعتبار شود.
- بنابراین وقتی در این مرحله مولی بگوید: لا تشرب الخمر، حکم او ناظر به افراد خمر که در ظرف جعل و اعتبار موجودند، نیست. هر شرابی را، اگر چه در آینده تحقق یابد، در بر می‌گیرد و هر مکلفی، اگر چه در آینده تکلیف متوجه او باشد، در قبال حکم مسئولیت دارد.

جعل و مجعول

- مرحله‌ی مجعول، آن مرحله‌ای است که موضوع در خارج تحقق پیدا می‌کند. یعنی ممکن است در ظرف اعتبار مولی، این موضوع اصلاً مصداق نداشته باشد. در این صورت فقط مرحله‌ی جعل تحقق دارد.

جعل و مجعول

- آنگاه که موضوع در خارج مصداق پیدا می‌کند، حکم به مرحله‌ی جدیدی وارد می‌شود که به آن مرحله‌ی مجعول می‌گوییم.
- وقتی مولی می‌گوید: لا تشرب الخمر، آن هنگام که شرابی در خارج نیست، این حکم در یک مرحله (مرحله‌ی جعل) می‌باشد.
- وقتی شراب در خارج تحقق بیابد، لا تشرب الخمر وارد مرحله‌ی مجعول می‌شود.

جعل و مجعول

- اگر اصطلاح مرحوم نائینی را با بحث فعلی مقایسه کنیم، مقصود از جعل همان مرحله‌ی اعتبار و ابراز خواهد بود؛ یعنی مولی چیزی را اعتبار می‌کند و سپس آن را ابراز می‌نماید.

جعل و مجعول

- اما در مراحلی که ذکر کردیم، به تحقق عینی موضوع در خارج (یعنی مرحله‌ی مجعول در اصطلاح مرحوم نائینی) توجهی نداشتیم. تحقق عینی موضوع از شرایط تنجز است و در دل آن بحث جای می‌گیرد. از این روی ما آن را به عنوان یک مرحله، مورد توجه قرار نمی‌دهیم.

مراحل حکم

